

قهار رسولیان*

بهرام سیروس

میرزا محمد آخوندزاده که با تخلص بهرام سیروس معروف است، ۱ ژانویه سال ۱۸۸۵ در شهر لنکران جمهوری آذربایجان در خانواده‌ای فرهیخته چشم به جهان گشود. پدرش میرزا اسماعیل که از اهل تبریز بود، به طبابت و آموزگاری اشتغال داشت و افزون بر این، دستی در ادب هم داشت و با تخلص «سیری» شعر می‌گفته است. بهرام سیروس ابتدا در دبستان خط و سواد آموخته، سپس سالهای ۱۹۰۵-۱۹۰۷ در مکتب روسی- محلی شهر لنکران تحصیل را ادامه داده، سال ۱۹۰۸ دوره ۸ ماهه دفترداری را در محضر پروفیسور آلمانی فان کیارزان () به پایان رسانده است. در این مدت با نهادهای سوسیال دموکراتهای ماوراء، قفقاز، بخصوص دانشجویان و کارگران مهاجر ایرانی مقیم این سرزمین آشنایی پیدا نموده و به نهضت‌های انقلابی می‌پیوندد.

بهرام سیروس به خاطر مشارکتهای فعال در نهضت‌های انقلابی و ملی آزادی‌خواهی سال ۱۹۰۹ به ایران رفته، در شهر آستارا به حرفه آموزگاری و مترجمی مشغول شده، فعالیت انقلابی خود را ادامه می‌دهد. سال ۱۹۱۸ عضو حزب «عدالت» گشته، ماه ژوئن سال ۱۹۲۰

* استاد تاریخ دانشگاه ملی تاجیکستان، دکتر تاریخ.

در اولین انجمن این حزب در شهر انزلی مشارکت می‌کند. در این انجمن حزب «عدالت» به «حزب کمونیست ایران» تبدیل نام می‌یابد که بهرام سیروس یکی از بنیان‌گذاران و راهبران آن بود.

از ۱ تا ۷ سپتامبر سال ۱۹۲۰ در شهر باکو نخستین انجمن اقوام شرق با مشارکت ۱۸۹۱ نفر که از ۳۷ ملیت نمایندگی می‌کردند، برگزار شد که بهرام سیروس در ردیف ۲۰۱ نفر ایرانی با نمایندگی از حزب کمونیست ایران مشارکت و سخنرانی داشت. گروه کمونیستی انجمن قرار کرد که به خاطر حل و فصل مشکلاتی که داخل احزاب کمونیستی منطقه رخ داده است، هیئتی را به شهر مسکو به حضور لنین اعزام نمایند. بهرام سیروس نیز جزو این هیئت انتخاب شد.

بهرام سیروس لحظه‌های ملاقات با و.ا. لنین در کرملین را چنین توصیف کرده است: «فرصتی نگذشته در اتاق خوابگاه و.ا. لنین باز شد. او در حالت بیماری به همراه او. استالین وارد خانه‌ای شدند که ما در آنجا نشسته بودیم. ما را هیجان پخش کرد. همه از جای برخاسته، با خرسندی بی‌انتها و کف‌کوبی و.ا. لنین و همصفاان او را پیشواز گرفتیم. ولادیمیر الیچ با آواز بلند به ما سلام داده، به سوی ما سر خم کرده و در جانب بالای میز به صندلی‌ای نشست. در جانب دست راست او یک خانم که منشی بود، قرار گرفت. در سمت چپ او.ا. استالین نشست. ما نمایندگان نیز به جایهای خود نشستیم... او. استالین جلسه را افتتاح نموده اول به نماینده قزاقستان سخن داد. دومین شخص سخنران من بودم. من که قریب در یک و نیم متر فاصله با لنین روبرو نشسته بودم، با وجود زبان روسی را خوب ندانستن گرمی و صمیمیت پیشوا را حس کرده، مثل یک بچه‌ای که در نزد پدر

مهربان خود راز دل می‌گفته باشد، تمام عقده‌های در دل داشته‌ام را کاملاً بی‌پرده بیان می‌کردم و بیشتر از نواقصات و میل‌های چپ‌روی حزب خودمان حرف زدم...».

پس از بازگشت از مسکو، به دستور رهبر حزب کمونیست ایران حیدر عموآوغلی، بهرام سیروس برای تقویت امور حزبی و اتحادیه‌های کارگری به استان گیلان فرستاده شد. در طول سالهای ۱۹۲۰-۱۹۲۵ بهرام سیروس بارها توقیف و زندانی شد.

دوست و هم‌مسلمان بهرام سیروس شاعر شهیر شرق استاد ابوالقاسم لاهوتی در منظومه «وحدت و تشکیلات» خود لحظه‌ای را که قزاق‌های سواره سیروس را پای پیاده از ری به زندان تهران می‌برند، بسیار واقعی و استادانه به قلم داده است:

سر و ریشی نتراشیده و رخساری زرد

زرد و باریک چونی

سفره‌ای کرده حمایل

پتویی بر تن دوش

ژنده‌ای بر تن وی

کهنه پیچیده به پای

چون ندارد پاپوش

بر سر جاده‌ری

چند قزاق سوار

دست‌ها بسته ز پس، پای پیاده، بیمار،

که رود این همه راه؟

کی شناسد ره و چاه؟

خسته بد، گرسنه بد، لیک نمی‌خواست کمک،

نه ز شیخ و نه ز شاه!

...

در مسیر ری به سوی زندان شهر تهران یکی از سواران قزاق از محبوس سؤال می‌کند که با کدام جرم توقیف شده است. بهرام سیروس محبوس چنین جواب می‌دهد:

گنهم این که من از عایله رنجبرم

زاده رنجم و پروده دست زحمت

حرف ما این که چرا کوشش و زحمت از ماست

حاصلش از دگران

این زمان یکسره از فعله و دهقان بر پاست

نه که از مفتخوران

نسلم از کارگران

غیر از این من ز گناه دگری بی‌خبرم ...

ماه فوریه سال ۱۹۲۶ بهرام سیروس به عنوان نماینده حزب کمونیست ایران برای مشارکت در جلسه ششم کمیته اجرائیه بین‌المللی کمونیستی به شهر مسکو آمده، ماههای نوامبر و دسامبر همان سال در جلسه هفتم این سازمان بین‌المللی کمونیستی نیز مشارکت نموده، برای کار در هیئت راهبری آن در این شهر می‌ماند. سالهای ۱۹۲۶-۱۹۲۸ در دوره دوساله دانشکده بین‌المللی کمونیستی تحصیل می‌نماید. پس از ختم آن برای تجربه‌آموزی به اختیار کمیته حزبی کشور ماورای قفقاز فرستاده می‌شود.

پس از وارد شدن به عضویت حزب کمونیست اتحاد شوروی ماه ژانویه سال ۱۹۲۹ برای کار در هیئت دفتر آسیای میانه کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به شهر تاشکند فرستاده می‌شود.

از سال ۱۹۳۰ به بعد بهرام سیروس در تاجیکستان به سر برده، در سالهای ۱۹۳۰-۱۹۴۰ محرر مسئول نشریات دولتی تاجیکستان، محرر مسئول مجله «راهبر دانش»، محرر مسئول روزنامه «برای معارف کمونیستی» («آموزگار» کنونی)، کارمند مسئول وزارت معارف خلق تاجیکستان، رئیس پژوهشگاه تحقیقات علمی علوم آموزگاری تاجیکستان، رئیس کتابخانه دولتی (ملی کنونی) ابوالقاسم فردوسی تاجیکستان بود.

از سال ۱۹۴۱ به بعد بیشتر به فعالیت علمی پرداخته، سالهای ۱۹۴۱-۱۹۵۱ خادم علمی (پژوهشگر) پژوهشگاه تاریخ، زبان و ادبیات بخش تاجیکستانی آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، سالهای ۱۹۵۱-۱۹۵۷ خادم ارشد علمی پژوهشگاه زبان و ادبیات آکادمی علوم تاجیکستان و از سال ۱۹۵۸ تا آخر عمر (۶ ژوئن سال ۱۹۸۱) خادم ارشد علمی شعبه شرق شناسی و آثار خطی آکادمی علوم تاجیکستان (پژوهشگاه شرق شناسی و آثار خطی کنونی) بود.

آثار علمی و تحقیقاتی بهرام سیروس بیشتر پیرامون مسایل عمده نظریه علمی عروض و قافیه و نظم فارس - تاجیک بوده، سال ۱۹۶۴ در سن ۶۷ سالگی در موضوع «قافیه در نظم تاجیک» از رساله دکترای ادبیات و سال ۱۹۶۴ در سن ۷۹ سالگی در موضوع «عروض تاجیکی» از رساله فوق دکترای ادبیات خود دفاع کرد.

رحیم هاشم یکی از دانشمندان تاجیک پیرامون کتاب «عروض تاجیکی» بهرام سیروس چنین می گوید: «اثر استاد سیروس «عروض تاجیکی» یک کار خیلی زحمت طلب بود. جستجو و مطالعه خیلی دقیق را طلب می کرد. استاد سیروس با یک اطواری که در این سن و سال به کمتر کسان میسر می شود، در سر این موضوع کار کرد و آن را به انجام رسانید. مؤلف در این اثر تحقیقاتی اش معلومات های از طرف

دانشمندان گذشته ما در باره عروض نوشته و جمع آورده آنها را از نقطه نظر انتقادی بررسی نموده، تمام شاخه‌های اصلی و فرعی وزن عروض تاجیکی را با مثال‌های از آثار شاعران گذشته و امروزه نشان داده است...».

بهرام سیروس مؤلف کتاب علمی «قافیه در نظم تاجیک» (۱۹۵۵)، «عروض تاجیکی» (۱۹۶۳)، «نظریه نو قافیه‌بندی» (۱۹۷۲)، مقالاتی با عنوان «عاید به وزن اشعار رودکی»، «عاید به شعر نو»، «غزل در ادبیات شوروی تاجیک»، «عاید به رساله عروض جامی»، «وزن اشعار حبیب یوسفی»، «عاید به تاریخ اشعار و سرودهای خلقی تاجیک»، «وزن شعرهای فولکلوری» و... می‌باشد.

بهرام سیروس که به حیث یکی از متن‌شناسان نمایان تاجیک شناخته شده است، در تهیه و نشر آثار رودکی، فردوسی، نظامی، خاقانی، امیر خسرو دهلوی، عبدالرحمان جامی، تذکره «گلشن ادب»، «کلیات» لاهوتی و... سهم ارزشمند دارد.

بهرام سیروس از ابتدای سالهای دهه ۳۰ قرن گذشته به شعرگویی رو آورده که مجموعه اشعارش سال ۱۹۷۵ توسط انتشارات «عرفان» به طبع رسید. این مجموعه حاوی اشعار اجتماعی-سیاسی، منظومه «هجوم»، غزلیات، به هم‌قلمان محترم، اشعار کودکانه و فکاهیات است. طوری که از مندرجه این کتاب برمی‌آید، اشعار او گوناگون‌شکل و گوناگون‌موضوع است. اما اشعار سیاسی و اجتماعی از قبیل وصف انقلاب بولشویکی، حزب کمونیست، و.ا. لنین و هم‌صفا، او، دستاوردهای خلق شوروی، پیروزی ارتش سرخ بر آلمان فاشستی، اعمار جامعه سوسیالیستی در تاجیکستان در آثار بهرام سیروس مقام خاصی را داراست.

او عضو اتفاق نویسندگان اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

از سال ۱۹۴۴، خادم خدمت‌نشانده علمی جمهوری شوروی سوسیالیستی تاجیکستان بوده، به خاطر خدماتش با دو نشان لنین، «نشان فخری»، چند مدال، افتخارنامه ریاست شورای عالی جمهوری شوروی سوسیالیستی تاجیکستان و... تقدیر شده است.

منابع:

۱. سیروس، بهرام. هدیه. دوشنبه، عرفان، ۱۹۷۵
۲. سیروس، بهرام. مجموعه مقاله‌ها و خاطره‌ها. دوشنبه، عرفان،
۳. مجله «صدای شرق»، ۱۹۶۵، ش. ۳
۴. روزنامه «ادبیات و صنعت»، ۱۹۸۵، ۱۰ ژانویه
۵. روزنامه «کمسومول تاجیکستان»، ۱۹۶۵، ۲۶ فوریه
۶. روزنامه «معارف و مدنیت»، ۱۹۷۵، ۳۰ ژانویه
۷. روزنامه «تاجیکستان سوویتي»، ۱۹۶۵، ۲۸ فوریه